

ماجرای مردی که خودش به جای قانون سارق را تنبیه کرد

سوء استفاده از سارق

تنگنر

هنگام تنظیم قولنامه به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

- قبل از امضای هر سند، مشاوره با افراد آشنا و مورد اطمینان دارای اطلاعات کافی ضروری است.
- ملاحظه، مطالعه و بررسی اسناد مورد معامله به دلیل اطلاع از وضعیت ثبتی آن ها.
- مشاهده عینی محل مورد معامله.
- آشنایی با ضوابط شهرداری.
- دقت در پاسخ استعلامات مربوطه.
- دقت در این که نسبت به ملک مورد معامله معارض انجام نشود.
- شناخت صاحب اژانس از حیث امانتداری و ایمان.

معاونت فرهنگی دادگستری کل خراسان شمالی

هشدار

نکات ضروری هنگام آتش سوزی خودرو

اگر در حین رانندگی متوجه خارج شدن دود از قسمت کاپوت شدید، خودرو را خاموش کنید و اهرم کاپوت را از داخل کابین بکشید. ضمن حفظ خونسردی محتویات خاموش کننده دستی را که در اختیار دارید از درزهای اطراف کاپوت، به سمت حریق بپاشید و از بالا زدن کاپوت خودداری کنید.

بالا زدن کاپوت خودرو باعث رسیدن اکسیژن و شعله وری حریق خواهد شد و احتمال سوختن دست و صورت افزایش خواهد یافت. همیشه اتصالات سوخت رسانی و برقی را بررسی کنید تا از سلامت آن ها مطمئن شوید. هنگام آتش سوزی فقط اهرم کاپوت را بکشید تا فاصله مناسبی برای پاشیدن محتویات کپسول روی آتش وجود داشته باشد.

یک کپسول پودری تهیه کنید و آن را داخل خودرو قرار دهید و هفته ای یک بار آن را سر و ته کنید تا از کلوخ شدن آن جلوگیری شود.

سارق شیشه ای زمانی که برای سرقت می خواست از روی نرده های فلزی وارد گاراژی شود از بدشانسی اش با گیر کردن لباسش به نرده ها از دیوار آویزان شد. با گیر افتادن سارق صاحب کارگاهی در گاراژ به جای تحویل سارق به قانون از او سوء استفاده کرد و از او بیگاری کشید. صاحب کارگاه درباره تصمیم اش برای بیگاری کشیدن از سارق گفت: تا پاسی از شب به خاطر عقب افتادن کارها به همراه چند نفر دیگر داخل گاراژ مشغول کار بودیم که ناگهان صدای آه و ناله فردی را از داخل حیاط شنیدیم. وقتی به محل مورد نظر رقتیم سارق معتادی را دیدیم که

چند ورق از دفتر سیاه زندگی یک زن

صدیقی

از چه کسی گلابه داشته باشم؛ از مادرم که مدام به دنبال مواد در خیابان ها پرسه می زد یا از پدرم که به اموالش چسبیده بود و هیچ کس برایش غیر از پول مهم نبود یا از شوهریایی و زورگویم که یک روز خوش در زندگی ام نداشتم و مدام من را شکنجه می داد؟

زن جوان دل شکسته که در سن ۱۴ سالگی پا در خانه همسرش گذاشت و سرگذشت تلخی در دفتر سیاه زندگی اش نقش بست، دلگیر از جور زمانه ماجرای زندگی اش را تعریف می کند و می گوید: زمانی که شوهرم به خواستگاری ام آمد پدرم به علاقه و حتی سن و سالم توجه نکرد و فقط همین که به اعتقاد خودش یک نان خور کم شود کافی بود. برای همین من را به زور به عقد یک مرد متوهم و ظالم درآورد. البته قبل از من دو خواهر بزرگترم نیز سرنوشت من را داشتند و چوب خساست پدرم را خوردند.

سن و سالی نداشتم و مهارت های زناشویی را اصلا آموزش ندیده بودم. مادرم راه و روش زندگی را به من یاد نداده بود چون مدام خیابان ها را با شیطان متر می کرد و به دنبال مردان هوسران بود. ۶سال زندگی زناشویی من مثل یک زندان جهنمی گذشت. همسرم معتاد بود و بعد از مصرف شیشه توهم می زد و عقده اش را سر من بیچاره و در به در خالی می کرد و تا جایی که قوت داشت من را کتک می زد.

متاسفانه جایی را هم نداشتم که بروم. رفتن به خانه پدرم قدغن و خانه مادر شوهرم لانه تیمی و شیطان بود. ما به اتفاق برادر شوهرم در یک حیاط قدیمی متعلق به مادرشان زندگی می کردیم و سهم هر کدام مان یک اتاق کلتگی بود. برادر شوهرم مثل همسرم معتاد بودو دست بزن داشت.

همسرم و برادرش هر دو بیگار بودند و برای تامین هزینه موادشان شبانه از دیوار مردم بالا می رفتند و دار و ندار صاحب خانه را به یغما می بردند. به خاطر سرقت های زیاد همسرم چندین بار به زندان افتاد و هر بار که بیرون می آمد

با گیر کردن شلوارش به نرده ها از دیوار آویزان شده بود و هر چقدر دست و پا می زد نمی توانست خودش را آزاد کند. بعد از دیدن این صحنه سارق را پایین آوردیم تا او را تحویل پلیس دهیم. سارق به خاطر ترس از زندان با التماس و خواهش از ما خواست که او را تحویل پلیس ندهیم اما در عوض هر کاری از او بخواهیم انجام خواهد داد. یکی از تعمیرکاران گفت: سارق باید علاوه بر جابه جا کردن وسایل و قطعات و همچنین تمیز کردن آن ها در و دیوارهای اتاق های کارگاه را نیز رنگ کند. سارق از ترس تحویل به پلیس شرایط ما را پذیرفت. بعد از نگه داشتن او تا صبح،



برد و بعد از چند دقیقه بچه را با سر و صورت خاکی و گچی بیرون می آورد و جرئت سوال کردن از او را هم نداشتم. کسی را غیر از خواهرم برای درد دل نداشتم اما کاری هم از دست او بر نمی آمد. ماجرای شکنجه من و پسر خردسالم از سوی همسر یایی ام این قدر ادامه داشت تا جایی که تمام بدن مان سیاه و کبود شده بود.

زن دل مرده درباره ماجرای فرارش از خانه می گوید: روزی شوهرم بعد از بی تابی پسرم به او حمله کرد و او را با سر به شدت به دیوار کوبید چوری که سرش ورم کرد. بعد از این اتفاق هولناک وقتی همسرم از خانه خارج شد سریع نزد خواهرم رفتم، به پیشنهاد خواهرم از دست همسرم شکایت کردم و همسرم بعد از اطلاع از این ماجرا متواری شد. دادگاه با رسیدن به حقیقت، من و پسر خردسالم را به یک نهاد دولتی و حمایتی معرفی کرد و تحت حمایت قرار گرفتیم.

هر روز مان را با ترس و دلهره شروع می کردیم و هر بار شوهرم بعد از آزار و اذیت من را تهدید می کرد که اگر پایم را بیرون از خانه بگذارم مثل شبه دنبالم می آید و به من آسیب می زند. هر بار که پسرمان گریه می کرد همسرم او را به زیر زمین می

روز بعد تا غروب شروع به جابه جا و مرتب کردن وسایل و قطعات سنگین و همچنین رنگ کردن دیوارهای سیاه کارگاه کرد. نزدیک غروب مرد سارق از شدت خستگی و خماری نقش بر زمین شد و به ما گفت دیگر رمقی برای ادامه کار ندارد. با اصرار ما برای ادامه کار سارق شیشه ای شروع به سر و صدا کرد و حتی حاضر شد او را به پلیس تحویل دهیم اما از او دیگر بیگاری نکشیم. وقتی دیدیم که سارق به اندازه کافی ادب شده است و دیگر توان ادامه کار را به خاطر خماری اش ندارد او را آزاد کردیم.

در راهروی دادگاه خانواده

جست و جوی محبت در خارج از خانه

پیامک های ویرانگر

صدیقی- انتخاب یک مسیر اشتباه و خطرناک زندگی ام را به سمت سقوط پیش برد و نه آبرویی برایم ماند و نه زندگی مشترکی که قرار بود با همسرم آن را بسازیم.

زن جوان پشیمان با چشمانی پر از اشک در راهروی دادگاه خانواده درباره ماجرای زندگی اش می گوید: ۵ سال از زندگی مشترک مان می گذشت، همسرم فکر می کرد همین که وسایل مورد نیازم را فراهم و هزینه های زندگی را تامین کند برای یک زن کافی است. شوهرم صبح تا شب سر کار بود. وقتی هم که از سر کار به خانه بر می گشت با من حرف نمی زدو می خوابید.

درست است که همه امکانات زندگی را برایم فراهم کرده بود اما من هم آدم بودم و به محبت احتیاج داشتم. بعد از گذشت مدتی از زندگی مشترک مان به خاطر کمبود محبت بی حوصله و کسل شده بودم برای همین فکر خطرناکی به ذهن ام رسید که با گرفتن شماره تلفن افراد ناشناس با آن ها دقایقی همکلام شوم. مدتی با گرفتن شماره های تصادفی با افراد مختلفی صحبت کردم اما هیچ کدام منجر به برقراری ارتباط عاطفی نشد به جز یک نفر که با حرف های دلربایش در دام او افتادم. روزی به صورت تصادفی با یک شماره ناشناس تماس گرفتم و با مردی چند دقیقه ای همکلام شدم. همین اتفاق پایه های زندگی ام را مثل موریانه از داخل خورد و سست کرد. بعد از آن روز پسر غریبه دست بردار نبود و البته خودم هم به خاطر تنهایی و کمبود محبت مایل به ادامه این کار بودم و به ارتباطم با او از طریق ارسال پیامک های عاشقانه

ادامه دادم.

هر چقدر به مرد غریبه بیشتر دل می بستم از آن طرف به دلیل کم توجهی همسرم از او دور می شدم. کم کم اختلاف بین من و همسرم بالا گرفت و هر روز مشاجره داشتیم. ماجرای ارتباط تلفنی من با مرد غریبه ادامه داشت تا این که روزی که در آشپزخانه مشغول انجام کاری بودم و حواسم به تلفن همراهم نبود با ارسال پیامک عاشقانه از سوی مرد غریبه شوهرم مهجم را گرفت.

وقتی ماجرا لورفت از همسرم کتک خوردم و بعد از آن چند ماه به خانه مادرم رفتم. بعد از این رسوایی مادرم به جای این که آب روی آتش بریزد و معضل به وجودآمده را حل کند از من حمایت کرد و به شوهرگفت که اگر مایل به ادامه زندگی با دخترش است باید با یک دسته گل دنبال من بیاید. مادرم بعد از این اتفاق مصر بود که من هرچه زودتر تطلاقم را بگیرم و با مردی که مد نظر اوست ازدواج کنم.

او با این کار هایش بیشتر زندگی من را به لبه پرتگاه کشاند. همسرم بعد از شنیدن حرف های مادرم از من شکایت کرد و درخواست طلاق داد. به اصرار مادرم به دادگاه خانواده آمده ام تا بینم قانون چه تصمیمی برای ما می گیرد. من مایل به طلاق نیستم اما دخالت های مادرم این شرایط را پیش پای من گذاشته است. خودم از همه بیشتر با قدم گذاشتن در راه شیطانی زندگی ام را ویران کردم.

آب کوآر

لذت نوشیدن آب کوآر

آب کوآر

لذت نوشیدن آب کوآر

محصولات آکواجوی اصل را فقط از فروشندگان مجاز شرکت هیرآب سان تهیه فرمایید.

۱- آقای وقارموسوی (سرپرست نمایندگان استان) ۰۹۱۵۱۸۴۰۴۵۹

۲- آقای دلاوری (نماینده بجنورد) ۰۹۱۵۳۸۴۱۲۱۹

۳- آقای عزیزی (نماینده بجنورد) ۰۹۱۵۴۴۳۷۹۶۴

۴- آقای حشمتی (نماینده شیروان) ۰۹۱۵۵۲۰۵۱۱۷

۵- آقای هاشمی نژاد (نماینده آشخانه) ۰۹۱۵۱۸۹۶۰۴۶

۶- آقای خان شریفان (عاملیت بجنورد) ۰۹۱۵۹۸۸۷۰۲۴

۷- آقای عبدال زاده (نماینده اسفراین) ۰۹۱۵۷۷۲۷۸۹۹

شرکت هیراب سان هیچ مسئولیتی در قبال **فروشندگان غیرمجاز واجتناس تقلبی** ندارد.

آب کوآر

لذت نوشیدن آب کوآر

آب کوآر

لذت نوشیدن آب کوآر

محصولات آکواجوی اصل را فقط از فروشندگان مجاز شرکت هیرآب سان تهیه فرمایید.

۱- آقای وقارموسوی (سرپرست نمایندگان استان) ۰۹۱۵۱۸۴۰۴۵۹

۲- آقای دلاوری (نماینده بجنورد) ۰۹۱۵۳۸۴۱۲۱۹

۳- آقای عزیزی (نماینده بجنورد) ۰۹۱۵۴۴۳۷۹۶۴

۴- آقای حشمتی (نماینده شیروان) ۰۹۱۵۵۲۰۵۱۱۷

۵- آقای هاشمی نژاد (نماینده آشخانه) ۰۹۱۵۱۸۹۶۰۴۶

۶- آقای خان شریفان (عاملیت بجنورد) ۰۹۱۵۹۸۸۷۰۲۴

۷- آقای عبدال زاده (نماینده اسفراین) ۰۹۱۵۷۷۲۷۸۹۹

شرکت هیراب سان هیچ مسئولیتی در قبال **فروشندگان غیرمجاز واجتناس تقلبی** ندارد.